

Research in School and Virtual Learning

ORIGINAL ARTICLE

The Mediating Role of Executive Functions in the Relationship Between Positive Parenting and Aggression

Maryam Bakhshoudeh¹, Nafiseh Sadat Nekouee^{2*}

1 M.Sc. of Educational Psychology, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.
2 Ph.D. Student of Educational Psychology, Faculty of Educational and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.

Correspondence

Name: Nafiseh Sadat Nekouee
Email: n.nekouee@alzahra.ac.ir

How to cite:

Bakhshoudeh, M. Nekouee, NS. (2025). The Mediating Role of Executive Functions in the Relationship Between Positive Parenting and Aggression. Research in School and Virtual Learning, 12(3), 19-28.

ABSTRACT

The purpose of this research was to predict aggression based on positive parenting with the mediating role of executive functions. The research was fundamental in terms of purpose and correlational in terms of method. The statistical population of this research consisted of all the students of the first secondary school in the 15th district of Tehran, and a sample of 261 students selected in an accessible way. Also, to collect data, the executive function deficit questionnaire (Sultani et al., 2017), the aggression questionnaire (Akbari Belotabangan et al., 2015) and the positive parenting scale (Naji et al., 2019) were used. Pearson correlation and structural equations were used to test the hypotheses. The results of the research showed that positive parenting has a negative relationship with relational aggression and executive functions play a mediating role. As a result, it can say that positive parenting helps parents to react calmly and skillfully to their children in times of tension and stress. Furthermore, executive functions can consider important prerequisites for effective parenting and for reducing aggression in families. These positive and effective relationships can ultimately help to reduce aggression in families and increase the quality of family life, because understanding and addressing the role of executive functions in this relationship may have implications for the development of targeted interventions to strengthen parenting practices and promote adaptive behaviors in adolescent.

KEYWORDS

Executive Functions, Positive Parenting, Aggression, Students.

نشریه علمی

پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی

«مقاله پژوهشی»

نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی در رابطه بین فرزندپروری مثبت و پرخاشگری

مریم بخشوده¹، نفیسه سادات نکویی^{2*}

چکیده

هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی پرخاشگری بر اساس فرزندپروری مثبت با نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی بود. روش پژوهش از نظر هدف بنیادی و با روش همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش را تمامی دانش‌آموزان متوسطه اول منطقه 15 شهر تهران تشکیل می‌داد که، نمونه‌ای به شیوه در دسترس شامل 261 دانش‌آموز انتخاب شدند. همچنین جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه نقص در کارکردهای اجرایی (سلطانی و همکاران، 1397)، پرسش‌نامه پرخاشگری (اکبری بلوطینگان و همکاران، 1395) و مقیاس فرزندپروری مثبت (ناجی و همکاران، 1399) استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری بهره برده شد. نتایج پژوهش نشان داد که فرزندپروری مثبت با پرخاشگری رابطه منفی داشته و کارکردهای اجرایی نقش میانجی ایفا می‌کند. در این راستا می‌توان گفت فرزندپروری مثبت به والدین کمک می‌کند تا در مواقع تنش و استرس، با آرامش و مهارت به فرزندان‌شان واکنش نشان دهند. همچنین کارکردهای اجرایی می‌توانند به عنوان پیش‌نیازهای مهمی برای فرزندپروری مؤثر و کاهش پرخاشگری در خانواده‌ها محسوب شوند. این ارتباطات مثبت و مؤثر در نهایت می‌تواند به کاهش پرخاشگری در خانواده‌ها و افزایش کیفیت زندگی خانوادگی کمک کنند چرا که، درک و پرداختن به نقش کارکردهای اجرایی در این رابطه ممکن است پیامدهایی برای توسعه مداخلات هدفمند در جهت تقویت شیوه‌های والدین و ترویج رفتارهای سازگار نوجوان داشته باشد.

واژه‌های کلیدی

کارکردهای اجرایی، فرزندپروری مثبت، پرخاشگری، دانش‌آموزان.

1 کارشناسی ارشد، روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
2 دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

نفیسه سادات نکویی

رایانامه: n.nekouee@alzahra.ac.ir

استناد به این مقاله:

مریم بخشوده، نفیسه سادات نکویی (1403). نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی در رابطه بین فرزندپروری مثبت و پرخاشگری. فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، 12(3)، 19-28.

<https://etl.journals.pnu.ac.ir/>

مقدمه

نوجوانی مرحله‌ای انتقالی از رشد جسمی و روانی انسان بوده که به‌طور کلی، طی دوره بلوغ تا بزرگسالی قانونی (18 سالگی) تداوم می‌یابد (رخمونوویچ¹، 2022). این مرحله با تغییرات بیولوژیکی متعدد، از جمله نوسانات خلقی که می‌تواند بر رفتار تأثیر بگذارد، مشخص می‌شود (وگا و همکاران²، 2022). یکی از رفتارهایی که در این دوران بسیار مشاهده می‌گردد، پرخاشگری است. پرخاشگری در دوران نوجوانی مسئله‌ای مهم قلمداد شده که به دلیل تأثیر بالقوه آن بر رشد اجتماعی، عاطفی و تحصیلی، نیازمند توجه است (کستلو ایتو و همکاران³، 2020). پرخاشگری ساختاری چندوجهی است که طیفی از رفتارها و نگرش‌ها را در بر می‌گیرد و می‌تواند به خود یا دیگران آسیب برساند. این مشکلی فراگیر است که افراد را در فرهنگ‌ها، سنین و زمینه‌های رشدی تحت تأثیر قرار می‌دهد و پیامدهای آن می‌تواند ویرانگر باشد (کراهه⁴، 2020).

درک عواملی که به پرخاشگری کمک می‌کنند برای توسعه راهبردهای پیشگیری و مداخله مؤثر بسیار مهم است (بابی و همکاران⁵، 2020). فهم ریشه‌های رفتار پرخاشگرانه در نوجوانی برای والدین، مربیان و متخصصان بهداشت روان کاربرد خواهد داشت چرا که، می‌تواند به مداخلات مؤثرتری مانند آموزش مهارت‌های حل تعارض، کاوش در ابرازهای سالم احساسات و تقویت روابط ایمن و حمایتی منجر شود (هارتینی و همکاران⁶، 2022). هدف این است که، نوجوانان را در این دوره چالش‌برانگیز به سمت بزرگسالانی سازگار با مهارت‌های مدیریت مثبت رفتارهای خود، هدایت کنیم (سالمیوالی و همکاران⁷، 2021).

در این رابطه مطالعه‌ای نشان می‌دهد که الگوی والدگری مثبت بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان اثرگذار است. (حاتمی فر و همکاران، 1400). همچنین، نتایج پژوهش فخری و همکاران (1401) حاکی از آن است که برنامه آموزش فرزندپروری حمایت‌گرایانه را می‌توان به‌عنوان رویکردی مؤثر در کاهش مشکلات رفتاری برونی‌سازی کودکان در نظر گرفت. پژوهشی دیگر نیز نشان می‌دهد که، شیوه‌های فرزندپروری مثبت می‌تواند احتمال بروز رفتارهای پرخاشگرانه یا ضد اجتماعی را در کودکان کاهش دهد. فرزندپروری مثبت شامل ارائه حمایت عاطفی، تعیین محدودیت‌های واضح و ثابت،

استفاده از راهبردهای نظم و انضباط غیرخسونت‌آمیز و ایجاد رابطه گرم و صمیمانه با فرزندان است. هنگامی که این شیوه‌ها به طور مداوم اعمال شوند، می‌توانند به فرزندان کمک کنند تا مهارت‌های تنظیم هیجانی قوی، همدلی و توانایی‌های حل مسئله را توسعه دهند که، به نوبه خود احتمال بروز رفتارهای پرخاشگرانه را کاهش می‌دهد. فرزندپروری مثبت همچنین می‌تواند به توسعه عزت نفس سالم و روابط اجتماعی مثبت کمک کند و احتمال درگیر شدن در رفتار پرخاشگرانه یا خسونت‌آمیز را بیشتر کاهش دهد (جافر و همکاران⁸، 2023).

شیوه‌های فرزندپروری مثبت، مانند آموزش و الگوبرداری از مهارت‌های ارتباط مؤثر و حل تعارض، همچنین به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند تا یاد بگیرند چگونه خود را ابراز کنند و احساسات خود را به روش‌های غیرخسونت‌آمیز مدیریت کنند. علاوه بر این، والدگری مثبت شامل ایجاد یک محیط حمایتی و توانمند است که می‌تواند استرس و ناامیدی را که ممکن است منجر به رفتارهای پرخاشگرانه شود، کاهش دهد. توجه به این نکته مهم است که در حالی که، فرزندپروری مثبت می‌تواند احتمال پرخاشگری را به میزان قابل توجهی کاهش دهد، تفاوت‌های فردی و تأثیرات بیرونی نیز در شکل دادن به رفتار نقش دارند (بالانتکین و همکاران⁹، 2020)؛ بنابراین، ترکیبی از فرزندپروری مثبت با سایر شاخص‌های روان‌شناختی نوجوانان می‌تواند بیشتر به پیشگیری و رسیدگی به رفتارهای پرخاشگرانه در نوجوانان کمک کند.

در حالی که عوامل زیادی در این بین وجود دارد، یکی از عوامل بالقوه مهمی که در سال‌های اخیر مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته، عملکردهای اجرایی است (وانگ و لیو¹⁰، 2021). در این راستا، کارکردهای اجرایی به مجموعه‌ای از فرآیندهای شناختی با مرتبه بالا اشاره دارد که فرد را قادر می‌سازد تا وظایف را به طور مؤثر برنامه‌ریزی، سازماندهی و اجرا کند (زلازو¹¹، 2020). عملکرد اجرایی شامل حافظه فعال، کنترل بازدارنده، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری است (تروو کلمنس و همکاران¹²، 2023). این کارکردها برای رفتار هدفمند حیاتی هستند و اغلب در افرادی که رفتار پرخاشگرانه از خود نشان می‌دهند به خطر می‌افتد (مدرانو و پراتر¹³، 2023). به عنوان مثال، مطالعات نشان داده‌اند که افراد با عملکردهای اجرایی مختل به احتمال بیشتری درگیر رفتارهای تکانشی و تهاجمی

8 Juffer et al

9 Balantekin et al

10 Wang & Liu

11 Zelazo

12 Tervo-Clemmens et al

13 Medrano & Prather

1 Rakhmonovich

2 Vega et al

3 Castillo-Eito et al

4 Krahé

5 Bibi et al

6 Hartini et al

7 Salmivalli et al

هستند، که نشان می‌دهد این کارکردها نقش مهمی در تنظیم رفتار دارند (برادسکی و همکاران¹، 2023).

تحقیقات به طور مداوم نشان داده است که نقص در عملکردهای اجرایی با افزایش پرخاشگری در نوجوانان مرتبط است. برای مثال، مطالعات نشان داده‌اند که نوجوانان با مشکلات توجه، محدودیت‌های حافظه کاری، یا اختلال در بازداری پاسخ، بیشتر احتمال دارد رفتار پرخاشگرانه داشته باشند (ون نیو و نه‌اجزن و همکاران²، 2017؛ ون رست و همکاران³، 2019؛ ماتیس و اسکاتر⁴، 2022). علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان داده است که عوامل محیطی، مانند قرار گرفتن در معرض خشونت خانگی توسط والدین، می‌توانند بر عملکردهای اجرایی تأثیر بگذارند و پرخاشگری را افزایش دهند (هورن و همکاران⁵، 2020؛ ون رست و همکاران، 2019). این یافته‌ها نشان می‌دهد که پرداختن به نارسایی‌های اجرایی ممکن است یک راهکار مؤثر برای کاهش پرخاشگری در نوجوانان باشد.

از سوی دیگر، شیوه‌های فرزندپروری مثبت می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رشد عملکردهای اجرایی داشته باشد. در این راستا پژوهش شریفی و خرمی (1401) نیز نشان داد که، آموزش فرزندپروری مثبت به مادران، موجب بهبود کارکردهای اجرایی و انگیزش تحصیلی کودکان دارای اختلال کم‌توجهی و بیش‌فعالی می‌شود. همچنین پژوهشی دیگر در این زمینه نشان داد، کارکردهای اجرایی نقش میانجی در رابطه با شیوه‌های فرزندپروری مثبت و شایستگی هیجانی و اجتماعی در دانش‌آموزان دارند (نکوئی و هاشمی، 1403).

شیوه‌های فرزندپروری مثبت، مانند فراهم کردن یک محیط حمایتی و پرورشی، تعیین انتظارات روشن و ارائه راهنمایی‌های مداوم، می‌تواند به رشد و تقویت عملکردهای اجرایی کمک کند. به عنوان مثال، زمانی که والدین محیطی ساختاریافته و قابل پیش‌بینی ایجاد می‌کنند، فرزندان به احتمال زیاد مدیریت زمان، برنامه‌ریزی و مهارت‌های هیجانی را که اجزای ضروری کارکردهای اجرایی هستند، یاد می‌گیرند (جافر و همکاران، 2023). علاوه بر این، رویکردهای فرزندپروری مثبت که خودتنظیمی را تشویق می‌کنند، مانند آموزش چگونگی مدیریت احساسات و انگیزه‌ها، می‌تواند به رشد مهارت‌های عملکرد اجرایی قوی کمک کند. علاوه بر این، شیوه‌های فرزندپروری مثبت که شامل درگیر کردن کودکان در فعالیت‌های حل مسئله، تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری می‌شود، می‌تواند باعث رشد

انعطاف‌پذیری شناختی، حافظه کاری و کنترل بازداری (اجزای کلیدی کارکردهای اجرایی) گردد (پرایم و همکاران⁶، 2023).

بنابراین؛ احتمال می‌رود که عملکردهای اجرایی، در رابطه میان فرزندپروری مثبت و پرخاشگری نقش واسطه‌ای داشته باشد چرا که در فرزندپروری مثبت، هدف اصلی تقویت عملکردهای اجرایی در کودکان است. زیرا، عملکردهای اجرایی به فرد کمک می‌کنند تا بتوانند به درستی برنامه‌ریزی کنند، خود را کنترل کنند، توجه خود را به عملکرد مورد نظر تمرکز دهند و عملکرد اجتماعی مؤثری داشته باشند. این مهارت‌ها می‌توانند کودکان را در مقابل استرس و افسردگی مقاوم و به آن‌ها کمک کنند تا با پرخاشگری مقابله کنند. با این وجود مطالعه‌ای به بررسی این روابط نپرداخته است؛ بنابراین؛ این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که آیا عملکردهای اجرایی نقش میانجی در رابطه بین فرزندپروری مثبت و پرخاشگری دارند؟

روش پژوهش

این پژوهش بنیادی و از نوع همبستگی بود. جامعه پژوهش را نوجوانان منطقه 15 شهر تهران تشکیل می‌داد که روی دانش‌آموزان مقطع هفتم، هشتم و نهم مطالعه شد. علت انتخاب نکردن مقاطع بالاتر، وجود اضطراب و فشارهای اجتماعی ناشی از کنکور برای دانش‌آموزان بود که می‌توانست بر نتایج مؤثر باشد. در این راستا، نمونه‌ای به شیوه در دسترس شامل 261 دانش‌آموز انتخاب شدند. بر حسب نظر کلاین و با توجه به تعداد متغیرها، این تعداد مکفی دانسته شده است. از گروه مطالعه‌شده 58/7 درصد دختر (153 نفر) و 34/1 درصد در مقطع هفتم، 33/2 درصد هشتم و 32/7 درصد نهم بودند. پیش از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، کلیه دانش‌آموزان شرکت کننده پس از اطلاع از جزئیات مطالعه، رضایت آگاهانه ارائه کردند. در ادامه ابزار استفاده‌شده بیان شده است.

پرسش‌نامه نقص در کارکردهای اجرایی (QDEF)⁷:

این پرسش‌نامه توسط سلطانی کوهبنانی و همکاران (1397) بر اساس پرسش‌نامه کارکردهای اجرایی کودکان و نوجوانان بارکلی ساخته شده است. این پرسش‌نامه 70 گویه دارد که شامل 5 زیرمقیاس خودمدیریتی زمان، خودکنترلی/بازداری، خودسازماندهی/حل مسئله، خودنظم‌جویی هیجان، خودانگیزشی است. گویه‌ها با طیف 5 گزینیه‌ای نمره‌گذاری می‌شود که حداقل نمره در هر مؤلفه 14 و حداکثر 70 است.

1 Brodsky et al

2 Van Nieuwenhuijzen et al

3 Van Rest et al

4 Matthys & Schutter

5 Horne et al

6 Prime et al

7 Questionnaire of Defects in Executive Functions

ساختاری استفاده شده است. لازم به ذکر است که بررسی‌های توصیفی مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با استفاده از نرم‌افزار SPSS 20 و برای تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها از نرم‌افزار ایموس استفاده شده است.

یافته‌ها

در جدول 1 به ویژگی‌های توصیفی متغیرها پرداخته شده است.

جدول 1. ویژگی‌های توصیفی و پایایی متغیرهای پژوهش					
متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	پایایی
فرزندپروری مثبت	23/35	5/48	0/715	-0/944	0/83
گرمی	33/09	5/36	0/188	-0/643	0/94
خاطرات ایمن	25/65	8/63	0/404	0/514	0/75
نمره کل	31/41	2/27	0/205	-0/221	0/91
کارکردهای اجرایی	35/49	3/11	0/927	-0/702	0/84
خودکنترلی	31/13	2/45	0/409	0/970	0/79
خودسازماندهی	36/87	2/18	0/220	0/821	0/63
حل مسئله	44/03	1/59	0/593	-0/100	0/95
خودانگیزی	179/26	14/47	-0/121	-0/073	0/93
نمره کل	44/01	12/18	0/107	-0/437	0/86
پرخاشگری					

نتایج جدول 1 نشان می‌دهد که پایایی مؤلفه‌های متغیرهای پژوهش در دامنه 0/63 تا 0/94 است که، نشانگر پایایی قابل قبول برای این متغیرهاست. شاخص‌های کجی و کشیدگی برای متغیرهای پژوهش همگی کمتر از قدرمطلق 1 است. بنابراین؛ توزیع تمامی متغیرهای پژوهش نرمال است. همچنین جدول 2 ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول 2. همبستگی بین متغیرهای پژوهش		
متغیرهای پژوهش	1	2
1. فرزندپروری مثبت	1	
2. کارکردهای اجرایی	-0/713**	1
3. پرخاشگری	-0/441**	0/256**

(** $p < 0/01$; * $p < 0/05$)

نتایج جدول 2 نشان می‌دهد تمام متغیرهای پژوهش با یکدیگر ارتباط معناداری دارند. این نتایج نشان می‌دهد که فرزندپروری مثبت با نقایص کارکردهای اجرایی و پرخاشگری رابطه منفی و معناداری دارند، در حالی که، نقایص کارکردهای اجرایی و پرخاشگری رابطه مثبت و معناداری با یکدیگر دارند. برای بررسی و مدل علی پرخاشگری نوجوانان بر اساس فرزندپروری مثبت با توجه به نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی از معادلات ساختاری استفاده شد. در این رویکرد ابتدا

که، نشان از نقص بیشتر در کارکردهای اجرایی است. پایایی آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ 0/90 بیان شد. همچنین، ضرایب آلفا به ترتیب برابر 0/90، 0/85، 0/82، 0/78 و 0/72 هستند که بیان‌گر پایا بودن مقیاس کارکردهای اجرایی است. در پژوهش حاضر پایایی با آلفای کرونباخ در کل مقیاس 0/79 است.

پرسش‌نامه پرخاشگری¹: این پرسش‌نامه توسط اکبری

بلوطبنگان و همکاران (1395) جهت سنجش پرخاشگری در میان نوجوانان ایجاد شد این مقیاس دارای یک بعد است که از 11 گویه تشکیل شده و طبق لیکرت 5 گزینه‌ای، حداقل نمره آن 11 و حداکثر 55 است که، نمرات بالاتر پرخاشگری بیشتر را نشان می‌دهد. آلفای کرونباخ را 0/82 و میزان روایی در همبستگی با انگیزش تحصیلی (0/71-)، پیشرفت تحصیلی (0/61-)، غیبت از مدرسه (0/55) و انضباط (0/85-) گزارش شد. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ 0/84 به دست آمد.

مقیاس فرزندپروری مثبت²: ناجی و همکاران (1399) این پرسش‌نامه را با عنوان فرزندپروری مثبت با دو بعد گرمی و خاطرات ایمن اولیه تهیه کردند. این مقیاس 21 گویه‌ای با طیف لیکرت 5 گزینه‌ای نمره‌گذاری می‌شود که حداکثر نمره 105 و حداقل آن 21 است و نمرات بالاتر نشان از فرزندپروری مثبت‌تری است. آلفای کرونباخ برای ابعاد گرمی و ایمنی خاطرات اولیه به ترتیب 0/74 و 0/71 و برای کل مقیاس 0/72 بود. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ برابر با 0/82 مشاهده شد.

پس از گردآوری داده‌ها، از آنجائی که این پژوهش در زمره پژوهش‌های مدل‌سازی ساختاری محسوب می‌شود، برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری ضریب همبستگی و معادلات

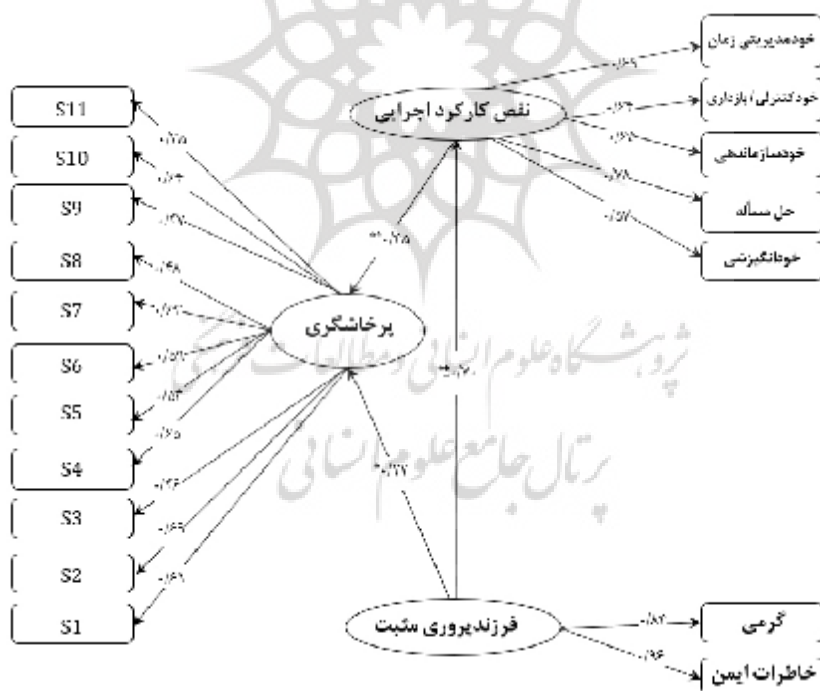
1 Aggression Questionnaire

2 Positive Parenting Scale

جدول 3. شاخص‌های برازش مربوط به تحلیل عامل تأییدی مدل اندازه‌گیری فرضیه اصلی			
نوع شاخص نیکویی برازش	حدود برازش قابل قبول	اندازه مشاهده شده	نتیجه برازش
مقدار آماره $\chi^2(df)$		403/77 (110)	
p-value آزمون χ^2	نسبت χ^2 / df	0/001	قابل قبول
نسبت آماره χ^2 به درجه آزادی		3/67	
RMSEA	کمتر از 0/1	0/077	خوب
SRMR	کمتر از 0/1	0/077	خوب
CFI	بیشتر از 0/8	0/898	قابل قبول
NFI	بیشتر از 0/8	0/866	قابل قبول
TLI	بیشتر از 0/8	0/874	قابل قبول
GFI	بیشتر از 0/8	0/900	خوب
AGFI	بیشتر از 0/8	0/861	قابل قبول

نشان‌دهنده روایی سازه کل متغیرهای مکنون مدل ارائه شده در پژوهش حاضر است. در گام بعدی، پارامترهای مدل اندازه‌گیری مدل مفهومی پژوهش بررسی شد. شکل 1 پارامترهای برآورد شده در این مدل شامل بارهای عاملی و همبستگی‌های بین متغیرهای مکنون را نشان می‌دهد.

روابط بین متغیرهای مشاهده شده و مکنون مدل با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی در قالب مدل اندازه‌گیری بررسی شد. سپس مدل ساختاری و اندازه‌گیری مدل اصلی پژوهش به صورت همزمان و با استفاده از روش مدلیابی معادلات ساختاری آزموده شد که، نشان از امکان استفاده از این روش



شکل 1. پارامترهای برآورد شده در مدل اندازه‌گیری مدل مفهومی فرضیه اصلی

در نهایت، جدول 4 پارامترهای برآورد شده مدل اندازه‌گیری، شامل بارهای عاملی و معناداری آنها را نشان می‌دهد.

نتایج ارائه شده در جدول 4 نشان می‌دهد که تمامی ضرایب مسیر مستقیم مدل، در سطح آفای 0/05 معنادار هستند. این نتایج نشان می‌دهد که فرزندپروری با نقایص

بود، پس از انجام تحلیل شاخص‌های اصلاح مدل بررسی شد. جدول 3 شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری نهایی پژوهش را نشان می‌دهد.

همان طور که نتایج جدول 3 نشان می‌دهد تمامی شاخص‌های برازش برای مدل اندازه‌گیری مدل مفهومی پژوهش در دامنه خوب تا قابل قبول قرار دارند. این نتایج

را به عنوان راهی برای مقابله با استرس یا ناامیدی انجام دهند (بالانتیکن و همکاران، 2020). همچنین فرزندپروری مثبت می‌تواند همدلی و درک را در نوجوانان تقویت کند که به آنها کمک کند تا دیدگاه‌های دیگران را بهتر درک کنند و به آنها احترام بگذارند. وقتی نوجوانان قادر به درک و همدلی با دیگران باشند، کمتر احتمال دارد که رفتار پرخاشگرانه نسبت به آنها داشته باشند. وجود خاطرات ایمن می‌تواند عزت نفس و اعتماد به نفس بالاتری را در نوجوانان تقویت کند که احتمال رفتار پرخاشگرانه را کاهش دهد. وقتی نوجوانان نسبت به خود احساس خوبی دارند و به توانایی‌های خود اعتماد دارند، کمتر احتمال دارد که رفتار پرخاشگرانه را به عنوان راهی برای اثبات قدرت یا موقعیت خود انجام دهند (جافر و همکاران، 2023). علاوه بر این، با وجود خاطرات مثبت ایمن و رابطه صمیمی گرمی طی فرزندپروری مثبت می‌تواند به عنوان یک الگوی نقش مثبت برای نوجوانان عمل کند و راه‌های سالمی برای مدیریت احساسات، برقراری ارتباط مؤثر و حل تعارضات به طور مسالمت‌آمیز نشان دهد. وقتی نوجوانان می‌بینند که والدین یا مراقبان‌شان رفتارهای مثبت را الگوبرداری می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که خودشان این رفتارها را اتخاذ کنند. به طور کلی، فرزندپروری مثبت می‌تواند نقش مهمی در کاهش پرخاشگری در نوجوانان با ترویج صمیمیت و گرمی و نیز وجود خاطرات ایمن با الگوبرداری مثبت از والدین داشته باشد (ماتیس و اسکاتر، 2022). با فراهم کردن یک محیط حمایتی و پرورشی، والدین و مراقبان می‌توانند به نوجوانان کمک کنند تا مهارت‌ها و ارزش‌های لازم برای گذر از موقعیت‌های اجتماعی را با آرامش و احترام ایجاد کنند. علاوه بر این، والدین می‌توانند با فراهم کردن محیطی حمایتی و پرورشی، به فرزندان خود کمک کنند تا مهارت‌هایی را که برای تنظیم احساسات، رفتار و افکارشان نیاز دارند توسعه داده و برنامه‌ریزی و سازماندهی مؤثر وظایف و فعالیت‌های خود را انجام دهند. از طرف دیگر، فرزندپروری مثبت معمولاً با کاهش استرس کودکان همراه است که این موضوع نیز می‌تواند به تقویت کارکردهای اجرایی کودکان کمک کند. والدگری مثبت فرزندان را تشویق می‌کند تا احساسات، رفتار و افکار خود را تنظیم کنند. والدینی که از تکنیک‌های فرزندپروری مثبت مانند نادیده گرفتن فعال، تغییر جهت دادن و تقویت مثبت استفاده می‌کنند، به کودکان کمک می‌کنند تا مهارت‌های خودتنظیمی مانند خودکنترلی، نظارت بر خود و خودانگیختگی را توسعه دهند. فرزندپروری مثبت کودکان را تشویق می‌کند که انتقادی فکر کنند و مشکلات را

کارکردهای اجرایی و پرخاشگری رابطه منفی و معناداری دارند و نقایص کارکردهای اجرایی بر پرخاشگری اثر مثبت و معناداری دارد. با بررسی معناداری اثرات غیرمستقیم فرزندپروری بر پرخاشگری (0/052) از طریق روش بوت استراپ نشان می‌دهد ویژگی‌های فرزندپروری مثبت، نقایص کارکردهای اجرایی را کاهش داده و از این طریق منجر به کاهش پرخاشگری در نوجوانان می‌شود. در نتیجه می‌توان چنین استنباط کرد که، کارکردهای اجرایی نقش میانجی در

جدول 4. پارامترهای برآورد شده مدل اندازه‌گیری

بار عاملی	ضریب استاندارد (β)	ضریب غیراستاندارد	اندازه بحرانی	معناداری
فرزندپروری به پرخاشگری	-0/22	-0/15	-3/17	0/002
فرزندپروری به کارکردهای اجرایی	-0/70	-0/63	-1/98	0/047
کارکردهای اجرایی به پرخاشگری	0/45	0/43	3/40	0/001

رابطه فرزندپروری مثبت و پرخاشگری دارند.

نتیجه‌گیری و بحث

پژوهش حاضر نشان داد که نقص در کارکردهای اجرایی نقشی میانجی در رابطه میان فرزندپروری مثبت با پرخاشگری در نوجوانان دارد که با یافته‌های پیشین همسویی نشان می‌دهد. در تبیین این یافته باید گفت که این امر تأثیر بالقوه فرآیندهای شناختی را بر پیامدهای رفتاری در بافت خانواده برجسته می‌کند. نقایص در چندین حوزه عملکرد اجرایی، از جمله بازداری و حافظه فعال، واسطه ارتباط بین فرزندپروری مثبت درک شده و رفتارهای پرخاشگرانه گزارش شده توسط نوجوانان است. این نشان می‌دهد که، فرزندپروری مثبت ممکن است به تقویت توانایی‌های اجرایی قوی‌تر در نوجوانان کمک کند، که به نوبه خود به نظر می‌رسد در برابر تمایلات پرخاشگرانه محافظت می‌کند. بنابراین؛ رابطه بین فرزندپروری مثبت و پرخاشگری در نوجوانان رابطه پیچیده‌ای است و عوامل متعددی می‌توانند بر این رابطه تأثیر بگذارند. در اینجا چند راه ممکن وجود دارد که از طریق آنها والدین مثبت می‌توانند پرخاشگری در نوجوانان را کاهش دهد. فرزندپروری مثبت می‌تواند به نوجوانان کمک کند تا صمیمیت و گرمی بیشتری را توسعه دهند، که می‌تواند احتمال رفتار پرخاشگرانه را کاهش دهد. هنگامی که نوجوانان قادر به مدیریت مؤثر احساسات خود باشند، کمتر احتمال دارد که رفتار پرخاشگرانه

حل کنند. والدینی که از تکنیک‌های فرزندپروری مثبت استفاده می‌کنند، مانند تشویق کودکان به بیان افکار و احساسات خود و فراهم کردن فرصت‌هایی برای تمرین حل مسئله، به کودکان کمک می‌کنند تا مهارت‌های حل مسئله بهتری را توسعه دهند. همچنین فرزندپروری مثبت با فراهم کردن فرصت‌هایی برای یادگیری و تمرین مهارت‌های جدید، رشد شناختی را تقویت می‌کند (جافر و همکاران، 2023). والدینی که از تکنیک‌های فرزندپروری مثبت مانند تهیه اسباب بازی‌ها و فعالیت‌های مناسب سن و شرکت در بازی‌های تعاملی استفاده می‌کنند، به کودکان کمک می‌کنند تا مهارت‌های شناختی بهتری مانند توجه، حافظه و سرعت پردازش را توسعه دهند. علاوه بر این، مهارت‌های اجتماعی طی فرزندپروری مثبت ارتباط، همدلی و همکاری را توسعه می‌دهد. چنین والدینی با تشویق کودکان به ابراز احساسات و ایجاد فرصت‌هایی برای تعامل کودکان با دیگران، به کودکان کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی بهتری را توسعه دهند (پرایم و همکاران، 2023).

در این راستا، می‌توان مشاهده کرد که کارکردهای اجرایی می‌تواند زمینه‌های شناختی را فراهم آورد که اثرات فرزندپروری مثبت را بر کاهش پرخاشگری بیش از پیش بیافزاید. کارکردهای اجرایی، از جمله کنترل توجه، مهارت‌های اجرایی، و مدیریت احساسات، نقش مهمی در رابطه فرزندپروری دارند. این مهارت‌ها به والدین کمک می‌کنند تا بهترین راهکارها را برای مدیریت و پشتیبانی از رشد و توسعه فرزندان‌شان انتخاب کنند. به عنوان مثال، والدین با مهارت کنترل توجه قوی می‌توانند توجه و تمرکز خود را روی نیازها و موضوعات مهم فرزندان‌شان متمرکز کنند و بدین ترتیب به ارتقای رابطه خود با فرزندان‌شان کمک کنند. بنابراین؛ چنین مهارت‌هایی والدین را قادر می‌سازد تا بهتر از قبل با احساسات خود و فرزندان‌شان سازگاری داشته باشند. والدینی که قادرند احساسات خود را به خوبی درک کنند و بتوانند به درستی با آنها برخورد کنند، ممکن است بهترین راه‌حل‌ها را برای مدیریت و حل مشکلات روزمره با فرزندان‌شان پیدا کنند و از ایجاد روابط خشونت‌آمیز جلوگیری کنند (هارتینی و همکاران، 2022). به عبارت دیگر، کارکردهای اجرایی قوی می‌تواند به عنوان میانجی کمک‌کننده در ارتباطات فرزندپروری مثبت عمل کند و باعث کاهش رخداد پرخاشگری در روابط خانوادگی شوند.

در نتیجه می‌توان بیان کرد مهارت‌های اجرایی، از جمله کنترل توجه، مهارت‌های اجرایی و مدیریت احساسات، نقش

بسیار مهمی در رابطه فرزندپروری مثبت و کاهش پرخاشگری دارند. این مهارت‌ها می‌تواند به والدین کمک کند تا در مواقع تنش و استرس، با آرامش و مهارت به فرزندان‌شان واکنش نشان دهند، که این ارتقاء ارتباطات خانوادگی را تسهیل می‌کند. همچنین، این مهارت‌ها می‌تواند به والدین کمک کند تا بهترین استراتژی‌ها را برای ارتباط مثبت با فرزندان‌شان بیابند، که این می‌تواند منجر به تقویت روابط خانوادگی و کاهش پرخاشگری گردد. کارکردهای اجرایی می‌تواند به عنوان پیش‌نیازهای مهمی برای فرزندپروری مؤثر و کاهش پرخاشگری در خانواده‌ها محسوب شوند. این مهارت‌ها به والدین کمک می‌کنند تا بهترین راه‌حل‌ها را پیدا کنند و از طریق مدیریت بهتر احساسات خود و فرزندان‌شان، رابطه مثبت و سالمی را ایجاد کنند. این ارتباطات مثبت و مؤثر در نهایت می‌تواند به کاهش پرخاشگری در خانواده‌ها و افزایش کیفیت زندگی خانوادگی کمک کنند چرا که درک و پرداختن به نقش کارکردهای اجرایی در این رابطه ممکن است پیامدهایی برای توسعه مداخلات هدفمند با هدف تقویت شیوه‌های والدین و ترویج رفتارهای سازگار نوجوان داشته باشد.

با توجه به این یافته‌ها، می‌توان پیشنهاد داد که توجه به تقویت مهارت‌های کارکردهای اجرایی در والدین و تغییر سبک فرزندپروری خود می‌تواند به عنوان راهکاری مؤثر در بهبود روابط خانوادگی و پیشگیری از رخداد پرخاشگری در نوجوانان مطرح شود. همچنین، می‌توان با آموزش مهارت‌های مبتنی بر کارکردهای اجرایی در مدارس اثرات فرزندپروری نامناسب را تعدیل کرد. این آموزش‌ها می‌تواند در سطح مربیان، متخصصان بهداشت روان، خانواده‌ها و نوجوانان گسترش یابد.

لازم به ذکر است که در این پژوهش با چند محدودیت مواجه بود. پیچیدگی‌های رفتار انسان نشان می‌دهد که احتمالاً عوامل دیگری بر روابطی که در اینجا بررسی شده‌اند تأثیر می‌گذارند که در این مطالعه لحاظ نشده‌اند (مانند تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی- اقتصادی و فردی). دوم، تغییرات در ابزارهای اندازه‌گیری و تعاریف در بین مطالعات، که استانداردسازی و مقایسه را چالش‌برانگیز می‌کند و نیاز به معیارهای معتبر و قابل اعتماد این سازه‌ها وجود دارد. بنابراین؛ هدف پژوهش‌های آتی باید در جهت رفع این محدودیت‌ها، بررسی مسیرهای علی از طریق مطالعات طولی، استفاده از معیارهای استاندارد شده و گسترش تحقیقات در جمعیت‌های متنوع باشد. علاوه بر این، مطالعات تجربی که مؤلفه‌های

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

سیاس گزاری

از مسئولین اداره آموزش و پرورش منطقه 15 شهر تهران و همچنین از مدیران، دبیران و دانش آموزانی که در راستای انجام این پژوهش ما را یاری نمودند، سپاس گزاریم.

عملکرد اجرایی و مهارت های فرزندی را دستکاری می کنند، می توانند شواهد بیشتری برای اثربخشی مداخلات مختلف ارائه دهند. همچنین نمونه پژوهش به صورت در دسترس انتخاب شده بود که لازم است در پژوهش های آتی شیوه هایی با تعمیم پذیری بالاتر به کار گرفته شود.

References

- Akbari Bloutbangan, A., Rahmani, F., Eshghabadi, S., (2016). Validity and Reliability of the Aggressiveness Scale among Students of Semnan, Iran. *Journal of Research in Behavioral Sciences*, 14 (1) :14-22
- Balantekin, K. N., Anzman-Frasca, S., Francis, L. A., Ventura, A. K., Fisher, J. O., & Johnson, S. L. (2020). Positive parenting approaches and their association with child eating and weight: A narrative review from infancy to adolescence. *Pediatric obesity*, 15(10), e12722.
- Bibi, A., Saleem, A., Khalid, M. A., & Shafique, N. (2020). Emotional intelligence and aggression among university students of Pakistan: A correlational study. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 29(10), 1189-1203.
- Brodsky, J. E., Bergson, Z., Chen, M., Hayward, E. O., Plass, J. L., & Homer, B. D. (2023). Language, ambiguity, and executive functions in adolescents' theory of mind. *Child development*, 94(1), 202-218.
- Castillo-Eito, L., Armitage, C. J., Norman, P., Day, M. R., Dogru, O. C., & Rowe, R. (2020). How can adolescent aggression be reduced? A multi-level meta-analysis. *Clinical psychology review*, 78, 101853.
- Fakhri, Z., Zare, H., Alipour, A. and Sharif-Alhoseini, M. (2022). The Effectiveness of Supportive Parenting Program Training on Parenting Patterns and Mothers' Depression, Anxiety and Stress and Children Externalizing Behavior Problems. *Journal of Educational Psychology Studies*, 19(47), 135-111.
- Hartini, S., Alie, E., & March, J. (2022). The Relationship Between Authoritarian Parenting and Aggressive Behavior of Adolescents in Nagari Bungo Tanjung. *World Psychology*, 1(2), 18-26.
- Hatamifar K, Zare H, Shahriari ahmadi M. (2021). Comparison of the effectiveness of positive parenting education and parental management on children's behavioral problems. *Journal of Except Education*, 2 (162) :71-86
- Horne, K., Henshall, K., & Golden, C. (2020). Intimate partner violence and deficits in executive function. *Aggression and violent behavior*, 54, 101412.
- Juffer, F., Bakermans-Kranenburg, M. J., & Van IJzendoorn, M. H. (Eds.). (2023). *Promoting*

منابع

- positive parenting: An attachment-based intervention*. Taylor & Francis.
- Krahé, B. (2020). *The social psychology of aggression*. Routledge.
- Matthys, W., & Schutter, D. J. (2022). Improving our understanding of impaired social problem-solving in children and adolescents with conduct problems: implications for cognitive behavioral therapy. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 25(3), 552-572.
- Medrano, J., & Prather, R. W. (2023). Rethinking executive functions in mathematical cognition. *Journal of Cognition and Development*, 24(2), 280-295.
- Naji, A., Momenifar, S., Shiralizadeh, S., Namjouri, Sh. (2020). *The 6th International Conference on Psychology of School*, Tehran.
- Nekouee, N. S. and Hashemi, Z. (2024). The Relationship between Positive Parenting Methods and Emotional and Social Competence in Students: The Mediating Role of Executive Functions. *Research in School and Virtual Learning*, 11(4), 21-30.
- Prime, H., Andrews, K., Markwell, A., Gonzalez, A., Janus, M., Tricco, A. C., ... & Atkinson, L. (2023). Positive Parenting and Early Childhood Cognition: A Systematic Review and Meta-Analysis of Randomized Controlled Trials. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 1-39.
- Rakhmonovich, U. R. (2022). Characteristics of demonstrativeness, enthusiasm and aggressiveness in adolescence. *Galaxy International Interdisciplinary Research Journal*, 10(12), 820-824.
- Salmivalli, C., Laninga-Wijnen, L., Malamut, S. T., & Garandeau, C. F. (2021). Bullying prevention in adolescence: Solutions and new challenges from the past decade. *Journal of Research on Adolescence*, 31(4), 1023-1046.
- Sharifi, A. and Khorami, Z. (2022). The Effectiveness of Positive Parenting Education for Mothers on Executive Functions and Academic Motivation of Children with Attention Deficit-Hyperactivity Disorder. *Research in School and Virtual Learning*, 10(1), 87-96.
- Tervo-Clemmens, B., Calabro, F. J., Parr, A. C., Fedor, J., Foran, W., & Luna, B. (2023). A canonical trajectory of executive function

- maturation from adolescence to adulthood. *Nature communications*, 14(1), 6922.
- Van Nieuwenhuijzen, M., Van Rest, M. M., Embregts, P. J. C. M., Vriens, A., Oostermeijer, S., Van Bokhoven, I., & Matthys, W. (2017). Executive functions and social information processing in adolescents with severe behavior problems. *Child neuropsychology*, 23(2), 228-241.
- Van Rest, M. M., Matthys, W., Van Nieuwenhuijzen, M., De Moor, M. H., Vriens, A., & Schuengel, C. (2019). Social information processing skills link executive functions to aggression in adolescents with mild to borderline intellectual disability. *Child neuropsychology*, 25(5), 573-598.
- Vega, A., Cabello, R., Megías-Robles, A., Gómez-Leal, R., & Fernandez-Berrocal, P. (2022). Emotional intelligence and aggressive behaviors in adolescents: a systematic review and meta-analysis. *Trauma, Violence, & Abuse*, 23(4), 1173-1183.
- Wang, Y., & Liu, Y. (2021). The development of internalizing and externalizing problems in primary school: Contributions of executive function and social competence. *Child Development*, 92(3), 889-903.
- Zarenezhad, S., Soltani Kouh Banani, M. H. and Abazari, K. (2018). Psychometric Properties of Barkley's Children and Adolescent Functional Performance Scale. *Psychology of Exceptional Individuals*, 8(30), 19-45.
- Zelazo, P. D. (2020). Executive function and psychopathology: A neurodevelopmental perspective. *Annual review of clinical psychology*, 16, 431-454.

